

بررسی سبک‌های یادگیری شناختی دانش‌آموزان

بهمن سعیدی پور^۱، محمد حسینی هاشم‌آبادی^۲

^۱ دانشیار دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه.

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار اداره آموزش و پرورش ناحیه ۳ کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

نام نویسنده مسئول:

محمد حسینی هاشم‌آبادی

چکیده

موضوع این مقاله سبک‌های یادگیری شناختی دانش‌آموزان است. هدف از این مقاله بررسی تاریخچه، مفهوم، انواع سبک‌های یادگیری شناختی، پیامدهای آن، نظریه‌ها و مدل‌های سبک یادگیری است. روش پژوهش، اسنادی-تحلیلی با استفاده از منابع چاپی و الکترونیکی است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اصطلاح سبک یادگیری را نخستین بار هرب تلان در سال ۱۹۵۴ به کاربرد. همچنین مفهوم سبک یادگیری عبارت است از روشی که یادگیرنده با توجه علایق شخصی، شرایط، اعتقادات و باورها در میان روش‌های موجود برای یادگیری بهتر و پایدارتر نسبت به سایر روش‌ها ترجیح می‌دهد، انواع سبک‌های یادگیری به‌طور کلی به سه دسته شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی تقسیم می‌شود که از این میان سبک‌های شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. سبک‌های یادگیری شناختی دارای مدل‌های مختلفی از جمله وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه، سبک تکانشی در مقابل سبک تأملی، سبک‌های همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباقی-یابنده، سبک‌های عمقی و سطحی و سبک‌های محیطی، هیجانی، جامعه‌شناختی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی دسته‌بندی دیگری از سبک‌های یادگیری است. در رابطه با پژوهش‌های مربوط به سبک‌های یادگیری در دهه‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی توسط اندیشمندان داخلی و خارجی از جمله رابطه سبک‌های یادگیری با جنسیت، سطح تحصیلات، سطح هوش و توانایی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: سبک‌های یادگیری، شناختی، دانش‌آموزان.

مقدمه

از مباحث مربوط به سبک‌های یادگیری تاریخچه آن می‌باشد. فام^۱ (۲۰۰۰) می‌گوید که پژوهش در مورد سبک‌های یادگیری از مطالعات مربوط به ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فیزیولوژیک فرایند آموزش سرچشمه گرفته است. شناخت و درک مدل‌های مرتبط با سبک‌های یادگیری یکی از پیشرفت‌های اساسی روان‌شناسی در قرن بیستم است. اصطلاح سبک یادگیری را نخستین بار هرب تلان^۲ در سال ۱۹۵۴ به کاربرد. سبک یادگیری روش ثابت یادگیرنده برای پاسخ‌گویی و به‌کارگیری محرک‌های موجود در موقعیت‌های یادگیری است. امروزه همه نظریه‌پردازان علی‌رغم وجود نظریه‌ها و مدل‌های مختلف در زمینه سبک‌های یادگیری توافق دارند که افراد به شیوه‌های متفاوتی اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان‌بندی، تحلیل و پردازش می‌کنند؛ یعنی افراد به جهان به‌طور یکسان نمی‌نگرند و ممکن است هر فرد در مقایسه با دیگری، علایق و تمایلات متفاوتی در نحوه یادگیری داشته باشد (شمس اسفندآباد و امامی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

مفهوم سبک یادگیری

از سبک یادگیری تعاریف متعددی به عمل آمده است. شاید به تعداد نویسندگان در این زمینه تعریف وجود دارد که به ذکر تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود. سبک یادگیری به معنای روشی که یادگیرنده در یادگیری خود، آن را به روش‌های دیگر ترجیح می‌دهد، در جایی دیگر وولفلک^۳ اصطلاح ترجیح یادگیری را بهتر از سبک یادگیری می‌داند و آن را راه‌های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری می‌داند. همچنین اگن و کاوچاک^۴ (۲۰۰۹) می‌گویند می‌توان سبک یادگیری را به‌عنوان رویکرد شخصی یادگیرندگان به یادگیری، حل مسئله و پردازش اطلاعات تعریف کرد (سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۷۰). بارمیر^۵ (۲۰۰۵) نیز سبک یادگیری را به‌عنوان شیوه یا روش ترجیحی، فردی و طبیعی یک انسان برای برخورد با اطلاعات و احساسات در یک موقعیت خاص یادگیری که می‌تواند بر رفتار و یا رفتار او اثر بگذارد تعریف می‌کند (غنایی و محمدزاده قصر، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

کالاگر^۶ (۲۰۰۷) سبک یادگیری را مجموعه عوامل شناختی، عاطفی، شخصیتی و روانی می‌داند که به‌عنوان شاخص‌هایی نسبتاً پایدار و ثابت به‌منظور تعیین چگونگی ادراک یادگیرنده و تعامل او با محیط یادگیری به کار می‌رود (غیبی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۴). جیمز و گاردنر^۷ (۱۹۹۵) سبک یادگیری را شرایطی می‌دانند که موجب می‌شود یادگیرندگان آنچه را که سعی در یادگیری آن دارند ادراک، پردازش، ذخیره و یادآوری کنند. از سویی دیگر پیرس^۸ (۲۰۰۰) معتقد است که سبک یادگیری روشی است که افراد آن را در یادگیری مطالب درسی خود بر روش‌های دیگر ترجیح می‌دهند (رحمانی و ازلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲). هومن و دمبوا^۹ سبک‌های یادگیری را شامل باورها، اعتقادات، رجحان‌ها و رفتارهایی می‌دانند که افراد به کار می‌برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند (هاشمی و لطفیان، ۱۳۹۰، ص ۹۲). همچنین سیف در جایی دیگر سیف به این مسئله می‌پردازد که سبک یادگیری را می‌توان به‌عنوان شیوه‌ای تعریف کرد که افراد اطلاعات و تجربیات تازه را در ذهن خود پردازش می‌کنند (خداینده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۶). مهم‌ترین نکات در تعاریف مذکور عبارت است از ترجیح افراد، رویکرد شخصی، شرایط محیط و علایق فردی.

تعاریف مذکور را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول به علایق و انگیزه‌های درونی فرد تأکید دارد، دسته دوم به شرایط محیطی و دسته سوم به نحوه پردازش اطلاعات در ذهن تأکید دارد. تعاریف مذکور از لحاظ تاریخی دارای سیر تکاملی می‌باشند، چنانچه در تعاریف اولیه به شرایط محیطی و در تعاریف جدید به علایق فرد تأکید شده است. به نظر می‌رسد تعریف سیف از سبک یادگیری تعریف کاملی است، زیرا در این تعریف به ترجیح یادگیری و پردازش اطلاعات جدید در ذهن اشاره شده است. با توجه به تعاریف مذکور می‌توان گفت سبک یادگیری عبارت است از روشی که یادگیرنده با توجه علایق شخصی، شرایط، اعتقادات و باورها در میان روش‌های موجود برای یادگیری بهتر و پایدارتر نسبت به سایر روش‌ها ترجیح می‌دهد.

1. Pham
2. Herb Thelan
3. Woolfolk
4. Eggen & Kauchak
5. Barmeyer
6. Gallagher
7. James & Gardner
8. Perice
9. Hohn & Dembo

انواع سبک‌های یادگیری

یکی از مباحث سبک‌های یادگیری انواع آن می‌باشد. سبک‌های یادگیری یا ترجیحات یادگیری بسیار گوناگون‌اند. با این حال می‌توان آن‌ها را به سه دسته شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی تقسیم کرد. سبک‌های یادگیری شناختی به روش‌هایی که شخص موضوع را ادراک می‌کند، اطلاعات را به خاطر می‌سپارد، درباره مطلب می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند گفته می‌شود. سبک‌های یادگیری عاطفی دربرگیرنده ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی یادگیرنده مانند پشت‌کار، تنها کار کردن یا با دیگران کار کردن و پذیرش یا رد تقویت‌کننده‌های بیرونی است. سبک‌های یادگیری فیزیولوژیکی جنبه زیست‌شناختی دارند و دربرگیرنده واکنش فرد به محیط فیزیکی مؤثر بر یادگیری او هستند، مانند ترجیح دادن مطالعه در شب یا روز یا ترجیح دادن مطالعه در محیط‌های سرد یا محیط‌های گرم، همچنین در رابطه با سبک‌های فیزیولوژیک می‌توان گفت که بعضی از یادگیرندگان گوش دادن به یک سخنرانی یا توضیحات شفاهی معلم را به خواندن متن یا انجام دادن تکالیف عملی ترجیح می‌دهند، درحالی‌که بعضی دیگر خواندن مطالب و یادگیری از روی شکل‌ها و نمودارها را می‌پسندند و بعضی دیگر از انجام کارهای عملی و دست‌کاری وسیله‌ها و ابزارها بهتر می‌آموزند (سیف، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱).

همچنین سیف می‌گوید از آنجاکه دانش‌آموزان و دانشجویان دارای سبک‌های مختلف یادگیری هستند و این سبک‌های مختلف بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می‌گذارد، لازم است معلمان از چگونگی و انواع آن‌ها آگاه باشند تا دانش‌آموزان را در استفاده از سبک‌های مختلف یادگیری کمک کنند. معلم در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید بپذیرد که هر یک از آنان ممکن است با سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوع‌های مختلف بپردازد. بنابراین، باید آماده باشد تا با هر یک از دانش‌آموزان خود برخوردی مناسب با سبک و شیوه یادگیری او داشته باشد (حسینی‌نسب و شریفی، ۱۳۸۹، ص ۹).

به‌طور مطلق نمی‌توان گفت که یک سبک یادگیری از سبک دیگر بهتر یا بدتر است. بیان درست‌تر این است که بگوییم، بسته به شرایط و موضوعات یادگیری، هر سبکی ممکن است خوب باشد یا نباشد. با این حال، معلم نباید تفاوت‌های فردی را از نظر دور بدارد، بلکه همواره باید به یادگیرندگان فرصت و امکان بدهد تا در موقعیت‌های گوناگون و در تکالیف متفاوت سبک‌های مناسب را به کاربندند و بیشترین استفاده را ببرند؛ اما از میان این سه دسته سبک یادگیری، سبک‌های یادگیری شناختی فراوان‌تر از همه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از اهمیت بیشتری برخوردارند.

مدل‌های سبک‌های یادگیری شناختی

سبک‌های یادگیری شناختی دارای مدل‌های مختلفی می‌باشد که به ذکر تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود. در یک دسته‌بندی سبک‌های یادگیری شناختی به سبک‌های وابسته به زمینه و وابسته به زمینه تقسیم می‌شود که گویای این مطلب است که قضاوت‌های شخصی بعضی یادگیرندگان تحت تأثیر زمینه موضوع یادگیری قرار می‌گیرد، درحالی‌که برای بعضی افراد تأثیر زمینه بسیار اندک است یا اصلاً وجود ندارد و به راحتی می‌توانند اطلاعات مهم را از سایر اطلاعات تفکیک نمایند. افراد فارغ از زمینه یا تحلیل‌نگرها در دیدن تصویری از جنگل، به درختان و شکل آن‌ها توجه می‌کنند، درحالی‌که کلی‌نگرها یا وابسته به زمینه‌ها به کلیت جنگل توجه دارند تا درختان. با بررسی مطالعات انجام شده در زمینه این دو دسته می‌توان گفت که افراد وابسته به زمینه یا کلی‌نگرها در انجام فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، در شرایط پیروی از عملکردی استاندارد و مطالعات علوم اجتماعی و افراد فارغ از زمینه یا تحلیل‌نگرها در مشکل‌گشایی و یادگیری زبان موفق‌ترند. البته لازم به توضیح است که بیشتر افراد حد وسط میان این دو قطب هستند و در ضمن هیچ دسته‌ای بر دیگری ارجحیت ندارد (پازارگادی و طهماسبی، ۱۳۸۹، ص ۷۴).

دسته‌بندی دیگر سبک‌های شناختی سبک تکانشی در مقابل سبک تأملی است که نشانگر آن است که فرد با چه سرعتی به تکالیف شناختی پاسخ می‌دهد. یادگیرندگان تکانشی سریع‌تر عمل می‌کنند، اما اشتباهات زیادی مرتکب می‌شوند. این‌ها به سؤالی که از آن‌ها بشود با اولین جوابی که به ذهن آن‌ها می‌رسد، پاسخ می‌دهند و نکته مهم از نظر آن‌ها سریع پاسخ دادن است. یادگیرندگان تأملی کند کار می‌کنند، اما خطای کمتری مرتکب می‌شوند. آن‌ها پیش از حرف زدن فکر می‌کنند و به جواب درست دادن می‌اندیشند تا سریع پاسخ دادن. البته ویژگی کیفی تسلط یا عدم تسلط بر موضوع نیز بر سرعت پاسخ‌دهی تأثیر دارد. سبک‌های یادگیری تکانشی و تأملی عمدتاً در محیط خانه شکل می‌گیرند، اما پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدرسه نیز بر شکل‌گیری آن مؤثر است. البته باید مورد توجه داشت که هیچ‌یک از این دو سبک، به خودی خود بر دیگری برتری ندارد (سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۷۵).

سبک‌های همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده نوع دیگری از دسته‌بندی سبک‌های یادگیری شناختی به وسیله کلب^۱ (۱۹۸۵) است. افراد همگرا به استدلال منطقی و مباحثه استقرایی علاقه دارند. افراد سبک واگرا تمایل به مشاهده تا انجام کار عملی دارند. اطلاعات را

^۱. Kolb

جمع می‌کنند و با تصور ذهنی سعی در حل مشکل دارند، در گروه مشارکت کرده و با ذهن باز به بحث گوش داده و بازخورد دریافت می‌کنند. افراد جذب‌کننده به خلاصه‌گویی علاقه‌مندند، همچنین این افراد به خواندن، سخنرانی و کشف مدل‌های تحلیلی علاقه دارند. افراد سبک انطباق‌یابنده به کار تجربی تمایل داشته و از راه‌های مختلف برای رسیدن به هدف استفاده می‌کنند (سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷).

در دسته‌بندی دیگر سبک‌های یادگیری شناختی را به سبک‌های عمقی و سطحی تقسیم می‌کنند. آن دسته‌بندی به چگونگی برخورد یادگیرندگان با مطالبی که می‌خواهند یاد بگیرند اشاره می‌کند. اگر برخورد دانش‌آموز با مطالب یادگیری به گونه‌ای باشد که بخواهد معنی مطالب را یاد بگیرد سبک یادگیری او عمیق است. در مقابل، اگر دانش‌آموز تنها به دنبال حفظ کردن مطالب باشد سبک او سطحی است. سبک‌های محیطی، هیجانی، جامعه‌شناختی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی دسته‌بندی معروف دیگری از سبک‌های یادگیری است که به وسیله دان و پرایس^۱ (۱۹۹۷) انجام داده است. در این الگو، سبک یادگیری به عنوان راهی که در آن شخص موضوع‌های تازه و دشوار تحصیلی را مورد توجه قرار می‌دهد و آن‌ها را پردازش می‌کند، درونی می‌سازد و به یاد می‌سپارد تعریف شده است (سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴).

در مورد سبک‌های یادگیری شناختی بیش از چندین مدل وجود دارد که هر کدام از آن‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند و بر سبک‌های مختلفی تأکید دارد. همچنین نمی‌توان از میان مدل‌های مطرح شده، بهترین سبک را انتخاب نمود، بلکه هر کدام از سبک‌ها در افراد مختلف و در جای خود دارای اهمیت است و هیچ‌کدام از آن‌ها بر دیگری ترجیح ندارند.

پژوهش‌های مربوط به سبک‌های یادگیری

در رابطه با پژوهش‌های مربوط به سبک‌های یادگیری در دهه‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی توسط اندیشمندان داخلی و خارجی انجام گرفته و رابطه سبک‌های گوناگون با سایر متغیرهای روانی و تربیتی بررسی شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله این که رابطه سبک‌های یادگیری با جنسیت، سطح تحصیلات، سطح هوش و توانایی مورد پژوهش قرار گرفته است. پژوهش‌های هیکسون^۲ و بالتیمور^۳ (۱۹۹۶) و نایت^۴، الفنباین^۵ و مارتین^۶ (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که بین زن و مرد از لحاظ سبک‌های یادگیری کلب تفاوت وجود دارد، بدین معنی که مردان بیشتر به تجربه عینی تمایل دارند در حالی که زنان عموماً تأملی‌تر عمل می‌کنند. فوجی^۷ (۱۹۹۶) رابطه بین هوش و سبک‌های یادگیری را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که سبک‌های یادگیری همگرا و واگرا به ترتیب با استدلال کلامی و غیر کلامی قوی‌تر رابطه دارند؛ اما در کل بین سبک‌های یادگیری و هوش رابطه معنی‌داری دیده نشده است.

در پژوهش‌های مورد بررسی کسیدی^۸ (۲۰۰۴) معلوم گشته است که افراد دارای سبک یادگیری کلامی بیشتر از خواندن متون یاد می‌گیرند در حالی که افراد دارای سبک تجسمی در یادگیری مطالبی که به صورت تصویری ارائه می‌شوند، موفق‌ترند. در پژوهشی دیگر توسط کانو-گارسیا^۹ و هیوز^{۱۰} (۲۰۰۰) مشخص شده است که در آزمون‌های متداولی که دارای جواب‌های قطعی هستند، دانش‌آموزان و دانشجویان همگرا از دیگران موفق‌ترند. افزون بر این دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا از دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین در سیاهه سبک‌های یادگیری کلب در تجربه عینی، مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده تأملی نمره بیشتری می‌آورند.

علاوه بر پژوهش‌های خارجی مربوط به سبک‌های یادگیری و تفکر و رابطه میان آن‌ها و متغیرهای مختلف، در ایران نیز این موضوع‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته‌اند. از جمله در پژوهشی به وسیله حسینی‌لرگانی و سیف (۱۳۸۰) در رابطه با سبک‌های یادگیری کلب انجام گرفت، معلوم شد که میان سبک‌های یادگیری دانشجویان و رشته‌های تحصیلی آنان رابطه وجود دارد، اما بین سبک‌های یادگیری پسران و دختران دانشجویان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در ارتباط با سبک‌های وابسته و نایسته به زمینه نیز پژوهش رضایی (۱۳۷۸) نشان داد که دانش‌آموزان رشته ریاضی به سبک نایسته به زمینه و دانشجویان رشته علوم انسانی به سبک وابسته به زمینه گرایش دارند. در پژوهشی دیگر توسط کردنوقانی (۱۳۷۸) نشان داده شد که شیوه تربیتی والدین با سبک یادگیری فرزندان‌شان رابطه دارد، بدین معنی که هرچه شیوه تربیتی والدین اقتدارطلب باشد، سبک یادگیری پسران‌شان نایسته‌تر به زمینه و هر چه شیوه تربیتی والدین مستبدانه‌تر باشد سبک یادگیری پسران‌شان وابسته‌تر به زمینه است.

1. Dunn & Price

2. Hickson

3. Baltimore

4. Knight

5. Elfenbein

6. Martin

7. Fuji

8. Cassidy

9. Cano-Garcia

10. Hughes

در پژوهشی دیگری توسط جمشیدی (۱۳۸۱) رابطه بین سبک‌های یادگیری تکانشی-تأملی و توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند که هر چه دانش‌آموز تأملی‌تر باشد توانایی وی در حل مسئله بیشتر و هر چه تکانشی‌تر باشد توانایی‌اش در حل مسئله کمتر است. نتیجه دیگر این پژوهش این است که بین دختران و پسران دانش‌آموز از لحاظ سبک‌های یادگیری تأملی و تکانشی تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد. علی‌آبادی (۱۳۸۳) با استفاده از سیاهه سبک‌های یادگیری، سبک‌های پنج‌گانه دان و پرایس (۱۹۹۷) را با دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه اول مورد پژوهش قرار داد، وی بر اساس نتایج به دست آمده گزارش کرد که سبک‌های سازگاری (مسئولیت)، بساوشی، ساختاری و شنیداری بر روی هم می‌توانند پیشرفت تحصیلی را بهتر از عوامل دیگر پیش‌بینی کنند.

چگونگی برخورد معلم با یادگیرندگان دارای سبک‌های مختلف

معلم در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید بپذیرد که هر یک از آنان ممکن است با سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوع‌های مختلف بپردازد؛ بنابراین، باید آماده باشد تا با هر یک از دانش‌آموزان خود برخوردی متناسب با سبک و شیوه‌ی یادگیری او داشته باشد. وولفلک می‌گوید برخی از یادگیرندگان ممکن است به کمک احتیاج داشته باشند تا بیاموزند که در حین خواندن یک متن بهتر است به نکات مهم توجه کنند و جزئیات کم‌اهمیت را نادیده بگیرند. بعضی‌ها ممکن است در موقعیت‌های سازمان‌یافته یادگیری احساس سردرگمی کنند و به راهنمایی‌های روشن و گام‌به‌گام نیاز داشته باشند. تعدادی هم ممکن است بتوانند مطالب درهم و برهم را به‌خوبی سازمان دهند اما نسبت به احساس دیگران حساس نباشند و در موقعیت‌های اجتماعی خیلی احساس موفقیت نکنند.

هرچند که می‌توان سبک‌های مؤثرتر یادگیری را به دانش‌آموزان مختلف آموزش داد، اما در هر حال هر سبک یادگیری یک ویژگی شخصیتی است که ممکن است برای یادگیرنده مناسب‌ترین باشد. لذا معلم باید روش‌های آموزشی و ارتباطی خود را تا آن‌جا که ممکن است با سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان خود وفق دهد. به گفته وولفلک شاید این توقع زیادی باشد که از معلم انتظار داشته باشیم تا برای هر یک از دانش‌آموزان خود موقعیت مطابق میل او فراهم آورد و هرگونه حمایتی را که در ارتباط با سبک خاص یادگیری اوست برایش فراهم آورد. باین‌حال معلم می‌تواند امکان حق انتخاب را برای یادگیرندگان خود فراهم آورد. مثلاً همراه با میز کار دسته‌جمعی، گوشه‌های خلوتی را نیز تدارک ببیند یا همراه با نیمکت‌های پرنور، محل‌های کم‌نورتر را نیز در نظر بگیرد. همچنین افزون بر تکالیف سازمان‌یافته کامل، تکالیف‌های کامل‌کردنی نیز به دانش‌آموزان ارائه دهد. همراه با کتاب‌های درسی به نمایش فیلم و پخش نوارهای صوتی نیز اقدام کند. این‌گونه حق انتخاب‌ها به هر دانش‌آموز امکان می‌دهد تا دست‌کم بعضی وقت‌ها متناسب با سبک یادگیری خود، کار کند و یاد بگیرد.

به‌طور مطلق نمی‌توان گفت که یک سبک یادگیری از سبک دیگر بهتر یا بدتر است. بیان درست‌تر این است که بگوییم بسته به شرایط و موضوعات یادگیری، هر سبکی ممکن است خوب باشد یا نباشد، همچنین سبک‌های یادگیری ممکن است در رابطه با موضوع‌ها و فعالیت‌های مختلف نیز فرق کند. باین‌حال معلم نباید تفاوت‌های فردی را از نظر دور بدارد، بلکه همواره به یادگیرندگان فرصت و امکان بدهد تا در موقعیت‌های گوناگون و در تکالیف متفاوت سبک‌های مناسب را به کار بندد تا دانش‌آموزان بیشترین استفاده را ببرند.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تاریخچه سبک‌های یادگیری در جهان به سال ۱۹۵۴ برمی‌گردد که نخستین بار توسط هرب تلان مطرح شد. همچنین سبک‌های یادگیری به معنای روشی است که یادگیرنده با توجه علایق شخصی، شرایط، اعتقادات و باورها در میان روش‌های موجود برای یادگیری بهتر و پایدارتر نسبت به سایر روش‌ها ترجیح می‌دهد. از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که سبک‌های یادگیری به‌طور کلی به سه دسته شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی تقسیم می‌شود که از این میان سبک‌های شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. سبک‌های یادگیری شناختی دارای مدل‌های مختلفی از جمله وابسته به زمینه و وابسته به زمینه، سبک تکانشی در مقابل سبک تأملی، سبک‌های همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده، سبک‌های عمقی و سطحی و سبک‌های محیطی، هیجانی، جامعه‌شناختی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی دسته‌بندی دیگری از سبک‌های یادگیری است. در مورد سبک‌های یادگیری شناختی بیش از چندین مدل وجود دارد که هر کدام از آن‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند و بر سبک‌های مختلفی تأکید دارد. همچنین نمی‌توان از میان مدل‌های مطرح‌شده، بهترین سبک را انتخاب نمود، بلکه هر کدام از سبک‌ها در افراد مختلف و در جای خود دارای اهمیت است و هیچ‌کدام از آن‌ها بر دیگری ترجیح ندارند. در رابطه با پژوهش‌های مربوط به سبک‌های یادگیری در دهه‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی توسط اندیشمندان داخلی و خارجی از جمله رابطه سبک‌های یادگیری با جنسیت، سطح تحصیلات، سطح هوش و توانایی انجام گرفته است. همچنین به‌طور مطلق نمی‌توان گفت که یک سبک یادگیری از سبک دیگر بهتر یا بدتر است. بیان درست‌تر این است که بگوییم بسته به شرایط و موضوعات یادگیری، هر سبکی ممکن است خوب باشد یا نباشد. باین‌حال معلم نباید تفاوت‌های فردی را از نظر دور بدارد، بلکه همواره به یادگیرندگان فرصت و امکان بدهد تا در موقعیت‌های گوناگون و در تکالیف متفاوت سبک‌های مناسب را به کار بندد تا دانش‌آموزان بیشترین استفاده را ببرند. معلم در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید ببیند که هر یک از آنان ممکن است با سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوع‌های مختلف بپردازد؛ بنابراین، باید آماده باشد تا با هر یک از دانش‌آموزان خود برخوردی متناسب با سبک و شیوه یادگیری او داشته باشد.

منابع و مراجع

- [۱] غنایی، علی و همکاران (۱۳۹۳). شناسایی سبک‌های یادگیری بازنگری در طراحی برنامه درسی نظام آموزشی فنی و حرفه‌های. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. دوره ۲. شماره ۱۴. صص ۱۱-۱.
- [۲] غیبی، معصومه و همکاران (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان گروه‌های تحصیلی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. سال ۶. شماره ۱. صص ۶۹-۵۳.
- [۳] رحمانی، جهانبخش و ازلی، مینا (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اصفهان. سال ۹. دوره ۲. شماره ۶. صص ۱۴۰-۱۳۱.
- [۴] خدابنده، صدیقه و همکاران (۱۳۹۳). نقش سبک‌های یادگیری در تبیین انگیزه‌ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر. فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری. سال ۲. شماره ۳. صص ۶۷-۵۵.
- [۵] بازارگادی، مهنوش و طهماسبی، سیمین (۱۳۸۹). سبک‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها در پرستاری. دوره ۳. شماره ۲. صص ۷۳-۷۶.
- [۶] سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۲). روان‌شناسی پرورشی نوین. انتشارات دوران. تهران.
- [۷] حسینی‌نسب، الهام و شریفی، حامد (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم دوره متوسطه شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. علوم تربیتی. سال ۳. شماره ۱۲. صص ۲۸-۷.
- [۸] هاشمی، زهرا و لطیفیان، مرتضی (۱۳۹۰). ارتباط بین پنج عامل شخصیت و سبک‌های یادگیری در میان دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی و فنی-مهندسی دانشگاه شیراز.